



حس می‌کنم. بوی سبزه، بوی نرگس، بوی یاس، بوی نان برشته، بوی سیب‌های سرخ و سبز، بوی خاک باران خورده، بوی زعفران و ریحان

چقدر سخت است که این همه را حس می‌کنم؛ اما بوی تو را حس نمی‌کنم!
 ای بهترین صدا، ای زیباترین دیدنی، ای خوش‌بوترین، ای عزیزترین غایب، بیا!

تو آفتابِ وفايي، خدا کند که بيابي فروغِ دیده‌ی مايي، خدا کند که بيابي

❧ (شعر از: صائم کاشانی) - فریبا کلهر، با تغییر

ای امام زمان، تو مانند آفتاب هستی که به همه زندگی و روشنایی می‌دهی و باعث می‌شوی چشمان ما بینا شود و دنیا را بهتر ببینیم. از خدا می‌خواهم که تو هر چه زودتر ظهور کنی.

درست و نادرست

- ۱ آن کسی که از نظرها غایب است و روزی ظهور خواهد کرد، حضرت مهدی (عج) است. **درست**
- ۲ بچه‌ها نمی‌توانند مثل بزرگ‌ترها از منتظران ظهور حضرت مهدی (عج) باشند. **نادرست**

پاسخ‌ها در پایین صفحه

درک مطلب

- ۱ اگر بخواهی با امام زمان (عج) صحبت کنی، چه می‌گویی؟
- ۲ می‌دانی نیمه‌ی شعبان چه روزی است؟ اگر خاطره‌ای از آن روز داری، برای دوستانت تعریف کن.
- ۳

واژه‌آموزی

جمله‌های زیر را با دقت بخوان و به کلمه‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است، توجه کن. سپس درباره‌ی معنای آن‌ها با دوستانت گفت‌وگو کن.

- آواز دل‌نشین پرنده به گوش می‌رسید. **خوشایند**
- موضوع دلخواه من کتاب‌خوانی است. **مورد علاقه**
- صوت دل‌نواز قرآن در مسجد پیچیده بود. **آرام‌کننده‌ی دل**
- تو جمعه نیامدی و غروب آن، چه دلگیر بود. **غمگین‌کننده**
- او از شکست دل‌خور بود؛ اما ناامید نبود. **ناراحت**

۱. دعا می‌کنم تا ایشان زودتر ظهور کنند تا ظلم و ستم از بین برود و همه جا صلح برقرار باشد.


۲. پانزدهم شعبان . روز تولد امام زمان (عج) ((همه جشن می‌گیرند و شاد و خوشحال


هستند))




۳. چرا نام درس را «بوی نرگس» انتخاب کرده‌اند؟ زیرا نام مادر امام زمان (عج) نرگس است


صندلی صمیمیت

 **انتخاب موضوع:** موضوع مورد علاقه‌ات را انتخاب کن. این موضوع می‌تواند بیان یک خاطره باشد؛ مثلاً خاطره‌ی اولین روز مدرسه، یا خاطره‌ی سفر به مشهد یا هر خاطره‌ی دیگری که دوست داری.


 **تفکر:** حالا که موضوع را انتخاب کرده‌ای، درباره‌ی آن فکر کن.

 **گفتار:** هر وقت آماده بودی، روی صندلی معلم بنشین و رو به دوستان، درباره‌ی آن موضوع صحبت کن. یادت باشد زمان صحبت تو خیلی طولانی نباشد تا وقت داشته باشی صحبت‌های دوستان را هم بشنوی.

بیاموز و بگو

 به جمله‌های زیر دقت کن و بگو از چند کلمه تشکیل شده‌اند؟ آیا معنی کاملی دارند؟

- رفتم. **این جمله ها از یک کلمه تشکیل شده اند و معنی کاملی دارند.**
- آمدند.

 حالا به مثال‌های زیر توجه کن. آیا معنی کاملی دارند؟ **خیر معنی ندارند قسمتی از جمله جا مانده است**

- دیروز من و هم‌کلاسی‌هایم در خیابان به سمت کتاب‌فروشی
- هفته‌ی گذشته در مسجد محله، علی را

در مورد تفاوت این مثال‌های کوتاه و بلند، با هم‌کلاسی‌هایت گفت‌وگو کن.

با اینکه جمله‌های بالا از چند کلمه تشکیل شده اند ولی کامل نیستند و ما منتظر ادامه‌ی جمله‌ها هستیم.

حسن با تنگ ماهی وارد حیاط مسجد می‌شود. چند مرد و یک پسر بچه که ده‌ساله به نظر می‌رسد، کنار حوض ایستاده‌اند و وضو می‌گیرند. حسن به حوض نزدیک می‌شود. حوض به رنگ آبی فیروزه‌ای است و آبی زلال و تمیز دارد. ماهی‌های قرمز فراوانی از این سو به آن سوی حوض، شنا می‌کنند. آن‌ها به خوبی در آب دیده می‌شوند. حسن تنگ را داخل حوض می‌کند و سر تنگ را کمی خم می‌کند تا ماهی بتواند از آن، خارج شود. ماهی حسن از تنگ خارج می‌شود و به سرعت کنار ماهی‌های دیگر می‌رود. ماهی قرمز شاداب و سر حال است. حسن خوش حال می‌شود. لبخند می‌زند و همچنان شنا کردن ماهی قرمز را تماشا می‌کند. پسر بچه‌ای که کمی دورتر از حسن ایستاده بود و وضو می‌گرفت، با لبخند به حسن نزدیک می‌شود.

پسر بچه: «سلام، من عرفان هستم. اسم تو چیست؟ تا حالا تو را اینجا ندیده بودم!»
حسن: «سلام، من حسن هستم. آمده بودم این ماهی قرمز را توی حوض مسجد ببندم.»
حسن می‌خواهد از مسجد خارج شود. چند قدم به سوی در مسجد برمی‌دارد. دوباره نگاهش به عرفان می‌افتد. عرفان نزدیکی از دوستانش می‌رود که مشغول جفت کردن کفش‌های نمازگزاران است. با او دست می‌دهد و حالش را می‌پرسد.
حسن برمی‌گردد؛ کنار حوض می‌رود. نگاهش به ماهی قرمز می‌افتد که خوش حال با ماهی‌های دیگر شنا می‌کند. لبخند می‌زند و شیر آب را باز می‌کند و وضو می‌گیرد. داخل مسجد می‌شود و کنار عرفان، در صف نماز می‌نشیند.

فاطمه سلحشور 

درک و دریافت

- ۱ چرا مادر به حسن پیشنهاد کرد که جای ماهی را عوض کند؟
- ۲ چه چیز باعث شد که حسن تصمیم بگیرد در مسجد نماز بخواند؟
- ۳ کلمه‌ی «آن‌ها»، که در متن مشخص شده است، به چه کسانی یا چه چیزهایی اشاره می‌کند؟
- ۴ کلمه‌ی «او»، که در متن مشخص شده است، به چه کسی یا چه چیزی اشاره می‌کند؟



۱. چون تنگ برای ماهی، کوچک بود و نمی‌توانست راحت شنا کند و در آنجا تنها بود.
۲. چون می‌خواست نمازش را به جماعت بخواند و می‌دانست که با هم بودن بهتر از تنها بودن است.
۳. ماهی‌ها
۴. ماهی قرمز حسن